

تأثیر برنامه آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران نسبت به رفتار با

فرزندان در مدارس راهنمایی دخترانه شهرستان بهبهان

فاطمه فقهی^۱

چکیده

فرد در خانواده به دنیا می‌آید و تربیت او در خانواده آغاز می‌شود، لذا آموزش والدین با هدف اصلاح، بهبود و تغییر دانش و نگرش والدین نسبت به رفتار با فرزندان می‌بایست یکی از نیازهای اساسی بزرگسالان یعنی آشنایی با اصول تربیت کودکان و راه‌های چگونگی استفاده از آموزه‌ها را برآورده سازد. پژوهش حاضر که به روش آزمایشی و با استفاده از طرح شبه‌آزمایشی با یک گروه و اجرای پیش‌آزمون - پس‌آزمون انجام گرفت این موضوع را بررسی نمود که «آیا برنامه آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران در رفتار با فرزندانشان مؤثر است؟»

جامعه آماری این پژوهش را مادران دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهرستان بهبهان که در برنامه آموزش خانواده در سال تحصیلی ۸۵ - ۱۳۸۴ شرکت کرده بودند، تشکیل می‌داد. به دلیل تعداد محدود افراد شرکت‌کننده در برنامه آموزش خانواده، همه افراد شرکت‌کننده، یعنی یکصدویست نفر به عنوان افراد نمونه انتخاب شدند که در زمان اجرای پس‌آزمون تعداد آنها به یکصد و دو نفر تقلیل یافت. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته چهل و چهار سؤالی به روش لیکرت بود و ضریب اعتبار پرسش‌نامه برابر ۰/۸۷ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه از آزمون پارامتریک t برای گروه‌های وابسته استفاده شد و در مجموع پژوهش حاضر به این نتیجه رسید که برنامه آموزش خانواده که به شکل سنتی و با استفاده از شیوه سخنرانی، بدون توجه به معیارهای لازم برای برنامه‌ریزی آموزش بزرگسالان صورت می‌گیرد نمی‌تواند به اهداف آموزشی خود که تأثیر بر نگرش و ایجاد آمادگی برای عمل در مادران است، دست یابد، به نظر می‌رسد که برنامه آموزش خانواده در برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزشیابی نیاز به بازنگری دارد.

کلیدواژه‌ها: آموزش خانواده، نگرش مادران، رفتار مادران با فرزندان.

مقدمه

وقتی که کودکان مردود می‌شوند، خوب درس نمی‌خوانند و یا رفتارهای نامطلوب از خود نشان می‌دهند، معلمان و مسئولان مدرسه، والدین را خطاکار می‌دانند، اما چه کوششی به عمل می‌آید تا به آنها آموخته شود که در تربیت فرزندان خود کارآیی بیشتری نشان دهند؟ اصولاً باید در کجا یاد بگیرند که چه کارشان خطاست و چطور می‌توانند بهتر شوند؟ (گوردن، ۱۹۱۸، ص ۱۲).

آنچه به کاهش بد رفتاری با کودکان و یادگیری رفتارهای مناسب از طرف کودکان کمک مؤثری خواهد کرد آگاهی دادن به والدین و مشاوره مطلوب مسائل خانوادگی و شناساندن ویژگی‌های رفتاری کودکان سنین مختلف و چگونگی برخورد صحیح با آنان است.

خانواده از نهادهای مهم و اساسی اجتماع است که کار آن ایجاد و پرورش نسل و جهت دادن آن به سوی هدف‌های معین است و بی‌شک خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین پرورشگاه و آموزشگاه فیرد است و یکی از نهادهای آموزشی و پرورشی عمده جامعه محسوب می‌شود. به همین دلیل امروزه برنامه‌های آموزش خانواده که جنبه پیشگیری از بروز رفتارهای نامطلوب در بین کودکان و نوجوانان را دارد، در سر لوجه برنامه نظام‌های آموزش و پرورش پیشرو قرار گرفته است و هدف اصلی این برنامه‌ها اصلاح، بهبود و تغییر دانش و نگرش رفتار والدین نسبت به رفتار با فرزندان و در نتیجه اصلاح جامعه است. سازمان مرکزی اتجمن اولیا و مربیان نیز با وقوف به چنین نقشی رسالت مهم آموزش اولیا را تدارک دیده است (دستورالعمل جامع آموزش خانواده، ۱۳۷۷، ص ۳).

از آن جهت که همواره پیشگیری بر درمان تقدم دارد و برنامه آموزش خانواده نیز جنبه پیشگیری از بروز رفتارهای نامطلوب در بین کودکان و نوجوانان را دارد، بررسی و ارزشیابی تغییرات حاصله در نگرش مادران شرکت کننده در برنامه آموزش خانواده دارای اهمیت ویژه‌ای است، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه آموزش خانواده بر تغییر نگرش مادران در تغییر رفتار با فرزندان در شهرستان بهبهان صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

خانواده نهاد اجتماعی همگانی و بادوامی است که از ماقبل تاریخ وجود داشته است. این نهاد حتی قبل از عبادتگاه، نهاد دولت یا سازمان‌های دیگری که برای زندگی اجتماعی آدمی ضروری است، پدید آمده است. انسان‌ها در خانواده به دنیا می‌آیند و تمامی عمر را در آن به سر می‌آورند (شهبازی و عمرانی، ۱۳۷۲، ص ۴).

خانواده همواره کانون کار و استراحت بوده است، اما امروزه که دیواره‌های نفوذناپذیر خانواده فروریخته و امواج رادیو و تلویزیون سرتاسر آن را در تمامی شبانه‌روز انباشته، خانواده به کانون فرهنگی - اجتماعی مبدل شده است (ساروخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰).

با اینکه محیط خانه افراد را به خود می‌کشد و افراد در یک محل دور هم جمع شده و مشغول تماشای برنامه می‌شوند، اما روابط متقابل اعضای خانه رو به کاهش گذاشته‌است، زیرا توجه آنها در حال گوش دادن و تماشای برنامه‌های تلویزیونی به خارج از خانه معطوف است. بدین ترتیب هر چند که فرد به ظاهر و از نظر جسمانی در جمع ساکنان خانه است اما کمبود روابط متقابل اعضای خانواده باعث نوعی بحران عاطفی شده است. فرزندان امروز اگرچه تحت تأثیر والدین و سایر اعضای خانواده هستند اما از منابع دیگر، خصوصاً وسایل ارتباط جمعی چیزهایی فرامی‌گیرند و همین امر گاه موجب تعارض‌هایی میان ارزش‌های خانواده و ارزش‌هایی است که از طریق وسایل ارتباط جمعی ارائه می‌شوند. از آن جهت که نهادها و سازمان‌های آموزشی تأثیر بسیاری در تعلیم و تربیت کودکان دارند، میان خانواده و مدرسه رقابتی پدید آمده است.

درباره خانواده تعریف‌های بسیاری را می‌توان نقل کرد، اما به‌طور خلاصه می‌توان گفت که خانواده گروهی اجتماعی و متشکل از زن و شوهر و فرزندان است که ویژگی اساسی آن تداوم زمانی و مشروعیت اجتماعی آن است.

از نظر اسلام، خانواده یک واحد بنیادی اجتماعی است. طبق تعریف قرآن نیز خانواده یک واحد بنیادی، و بر اصول عدالت، محبت و پرهیزگاری استوار است و درباره اهمیت خانواده در اسلام همین بس که پیامبر بزرگوار اسلام می‌فرماید: «هیچ بنیادی نزد خداوند عزوجل پسندیده‌تر از بنای ازدواج و خانواده نیست» (بی‌آزارشیرازی، ۱۳۶۱، ص ۳۶).

همچنین در اصل دهم قانون اساسی آمده است: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۲).

آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهادهای اساسی از همان آغاز حیات، همراه و همدم انسان بوده و می‌توان گفت پیشرفت و تعالی جوامع بشری محصول این نهاد بوده است. با تحول ساختار جوامع، فرایند آموزش در معرض پیچیدگی‌های زیادی قرار گرفته است. در جهت موفقیت فرایند تعلیم و تربیت نمی‌توان فقط به آموزش‌های رسمی توجه نمود، بلکه می‌بایست به آموزش‌های غیررسمی نظیر آموزش بزرگسالان در جنبه‌های گوناگون توجه داشت. یکی از جنبه‌های مهم این آموزش‌ها، آموزش والدین و خانواده‌هاست.

پیشینه آموزش خانواده را می‌توان در فلسفه ژان ژاک روسو جستجو کرد که اعتقاد داشت باید روش‌های سخت را فراموش کرد و در عوض به تعلیم والدین پرداخت. این عقیده در آمریکا تأثیر زیادی برجای گذاشت و برای اولین بار در حدود سال ۱۸۹۰ در آمریکا نهضت تعلیم اولیا به‌وجود آمد (جاجرمی، ۱۳۷۳، ص ۵۰).

همچنین با توجه به اهمیت خانواده و نقش اساسی والدین در سلامت روانی فرزندان از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد، رفتارگرایان آموزش والدین را شروع کردند. هدف اصلی چنین آموزشی این بود که

والدین، اصلاح رفتار را در مورد مشکلات رفتاری فرزندان خود به کار برند. از آن زمان تاکنون کاربرد آموزش رفتاری والدین در حوزه وسیعی از مشکلات رفتاری فرزندان مشخص شده است (کلانتری، ۱۳۷۲، ص ۸۶).

یافته‌ها نشان می‌دهد که یک‌دهم جمعیت مادران، فاقد مهارت نگهداری فرزند هستند. نیمی از مادران افسرده یا فاقد تربیت خوب در دوران کودکی خود، از عهده تربیت و نگهداری فرزندان نشان به خوبی بر نمی‌آیند. بنابراین، بسیار مهم است که شیوه کمک به این گروه از مادران مورد بررسی قرار گیرد. (قشنگ، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

به پژوه (۱۳۸۰) بر این باور است که «عصر کنونی، عصر اقتدار علمی است. هیچ کس به طور مادرزاد یک پدر یا مادر توانا خلق نشده است. فرزندپروری و کودک‌داری هم مانند سایر فعالیت‌ها (برای مثال مرغداری و زنبور داری) نیاز به آموزش دارد» (ص ۲۴). بنابراین لازم است والدین به طور مستمر در جریان یافته‌های جدید روان‌شناسی تربیتی قرار گیرند و در این زمینه آموزش‌های لازم را ببینند. ارزشیابی از این برنامه‌های آموزشی به منظور دریافت بازخورد و تغییر و اصلاحات اجتماعی لازم همواره یکی از حلقه‌های لاینفک آموزش خانواده است.

همچنین به پژوه (۱۳۸۲) در این زمینه اظهار می‌دارد: «از مدت‌ها قبل برای افرادی که به نحوی با کودک سر و کار دارند معلمان، مشاوران و روان‌شناسان آموزش ویژه‌ای وجود دارد، ولی آنانی که در زندگی کودک نقش مهم‌تری دارند، یعنی والدین، بدون آموزش مانده‌اند» (ص ۱۶).

آشنایی با تحول جسمانی و روانی کودکان برای والدین امری لازم و ضروری است. در راستای این نیاز از سال ۱۳۵۱، انجمن اولیا و مربیان اقدام به تشکیل کلاس‌هایی برای آموزش مسائل خانوادگی و تربیتی نموده است.

تحقیق انجام‌گرفته توسط شکری (۱۳۷۲) تحت عنوان «بررسی تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده بر تغییر نظرات والدین در رفتار با فرزندان» نشان داده که تغییر عمده‌ای در تغییر نگرش والدین صورت نگرفته است. پژوهش حسن‌بگلو (۱۳۷۴) تحت عنوان «بررسی میزان موفقیت و تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده در افزایش اطلاعات و آگاهی‌های شرکت‌کنندگان در شهر تهران» نشان داد که آموزش‌ها در افزایش آگاهی‌های والدین مؤثر بوده است.

حکمت‌منش (۱۳۷۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی نقش کلاس‌های آموزش خانواده بر رفتار والدین با فرزندان خود و عملکرد تحصیلی آنان در مقطع متوسطه پسرانه دزفول ۸۰-۱۳۷۹» بیان می‌کند که شصت و پنج درصد از والدین شرکت‌کننده در کلاس‌ها، تغییر نگرش خود را در برخورد با فرزندان تأیید نموده‌اند. تحقیقی که با عنوان «نقش و تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده در تغییر نگرش والدین نسبت به مسائل تربیتی و آموزشی» در ده استان کشور توسط رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۸۰) صورت گرفته است، نشان داد که حضور مداوم والدین در کلاس‌های آموزش خانواده نگرش آنان را

نسبت به مسائل آموزشی فرزندان نشان تغییر می‌دهد، اما تغییر نگرش والدین نسبت به مسائل تربیتی فقط تحت تأثیر این کلاس‌ها نیست و عوامل دیگری دخالت نیز دارد.

پژوهش‌های بیدگل (۱۳۷۱)، برزویی (۱۳۷۳)، کریمی (۱۳۷۶)، بیدگل و خان‌محمدی (۱۳۷۳) سجادی (۱۳۸۰)، نوری (۱۳۷۴)، طهماسبی و عبدالهی (۱۳۷۵)، شیخ‌زاده (۱۳۷۵) و عاشرزاده (۱۳۷۶) نیز تأثیر آموزش‌ها را در حیطه دانش مثبت ارزیابی می‌کنند.

پژوهشی که توسط مان^۱، پرل^۲ و بهل^۳ در سال ۱۹۹۳ با عنوان «تأثیر آموزش والدین روی دانش و نگرش» در شهر کانزاس آمریکا صورت گرفت، نشان داد که این کلاس‌ها باعث افزایش دانش و تغییر نگرش والدین شرکت‌کننده در کلاس‌ها شده است. همچنین در ارزشیابی از برنامه آموزش والدین که در زمینه مهارت‌آموزی و یاد دادن تکنیک‌های پرورش فرزند در مینوسه تا توسط مولر^۴ و مارش^۵ انجام گرفت، نشان داد که آموختن این مهارت‌ها در کوتاه‌مدت تأثیر مثبتی داشته است.

دانشگاه بستن در سال ۱۹۸۳ تحقیقی در مورد تأثیر دوره آموزشی بر رفتار والدینی که دوره آموزش خانواده را گذراندند و والدینی که این دوره را طی نکردند، انجام داد. جنبه‌های خاص این تحقیق نشان داد که دوره آموزشی تأثیرات مثبتی در نگرش و همچنین رفتار والدین گذاشته است. پژوهش‌های فوق تأثیر آموزش‌ها را در افزایش دانش و تغییر نگرش والدین در بعضی از جنبه‌های آموزشی و در کوتاه مدت تأیید می‌کنند، اما تأثیر طولانی‌مدت این آموزش‌ها مورد بررسی قرار نگرفته است.

در ایران تحقیقی که نشان‌دهنده تفکیک دو حوزه مجزای افزایش دانش و تغییر نگرش تحت تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده باشد، همچنین تحقیقی که نشان‌دهنده اثرات درازمدت آموزش خانواده را نشان دهد، صورت نگرفته است. از مجموع نظریات و تحقیقات انجام گرفته در زمینه آموزش بزرگسالان و بالاخص آموزش خانواده می‌توان نتیجه گرفت که:

- با توجه به اهمیت و نقش خانواده در رشد و تربیت صحیح کودک و نوجوان و پیچیده شدن زندگی و ارتباطات جهانی گسترده، آموزش والدین به منظور تربیت صحیح فرزندان و داشتن خانواده و جامعه سالم ضروری است.

- برای آموزش بزرگسالان توجه به برنامه‌ریزی آموزشی، اهداف آموزشی، نیازهای آموزشی، روش‌های مناسب آموزش، خصوصیات و ویژگی‌های جسمی و روان‌شناختی بزرگسالان و سایر عوامل مؤثر در آن، لازم و ضروری است.

- 1- Mann, Mary
- 2- Pearl, Peggy T
- 3- Behhle, Pamela D
- 4- Mueller
- 5- Marsha

روش‌شناسی تحقیق

هدف اساسی تحقیق، بررسی تأثیر برنامه آموزش خانواده بر تغییر نگرش مادران در تغییر رفتار با فرزندان است. سؤالات پژوهش عبارتند از:

- ۱- آیا برنامه آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران نسبت به پذیرش خصوصیات طبیعی دوره نوجوانان مؤثر است؟
- ۲- آیا برنامه آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران نسبت به تربیت دینی نوجوانان مؤثر است؟
- ۳- آیا برنامه آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران نسبت به تربیت جنسی نوجوانان مؤثر است؟
- ۴- آیا برنامه آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران نسبت به تربیت عاطفی نوجوانان مؤثر است؟
- ۵- آیا برنامه آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران نسبت به مشکلات تحصیلی نوجوانان مؤثر است؟

۶- آیا برنامه آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران نسبت به ارتباط خانه و مدرسه مؤثر است؟

۷- آیا برنامه آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران نسبت به خدمات مشاوره مؤثر است؟

این تحقیق بر اساس هدف تحقیق از نوع کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، شبه‌آزمایشی با یک گروه و اجرای پیش‌آزمون - پس‌آزمون است. در این پژوهش متغیر مستقل، برنامه آموزش خانواده و متغیر وابسته، نگرش مادران نسبت به رفتار با فرزندان، مورد بررسی قرار گرفت. متغیرکنترل مادران فرزندان نوجوان ۱۵-۱۲ ساله را شامل می‌شد.

جامعه آماری این پژوهش را همه مادران دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهرستان بهبهان که در برنامه آموزش خانواده در سال تحصیلی ۸۵ - ۱۳۸۴ شرکت کرده بودند، تشکیل می‌داد. به دلیل تعداد محدود افراد شرکت‌کننده در برنامه آموزش خانواده روش نمونه‌گیری غیر احتمالی (قصدی) مورد استفاده قرار گرفت. نمونه‌گیری قصدی که همان نمونه‌گیری در دسترس است با توجه به تسهیلاتی که در اختیار پژوهشگر است انجام می‌شود (سرمد و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱). نمونه مورد پژوهش یک‌صدودو نفر از مادران شرکت‌کننده در دوره بود که به منزله گروه نمونه برای کنترل خود نیز به کار رفته است. مادران شرکت‌کننده در دوره یا فراخوان عمومی مدارس به طور داوطلبانه و بدون دخالت محقق در گروه شکل گرفته بودند. در اولین جلسه دوره آموزشی قبل از عمل آزمایشی که در دی ماه ۱۳۸۴ اجرا شد، افراد نمونه مورد آزمون قرار گرفتند و به سؤالات پرسش‌نامه نگرش‌سنج پاسخ دادند. این گروه‌ها در هفت جلسه آموزشی بر اساس برنامه انجمن اولیا و مربیان و توسط مدرسان آموزش خانواده، تحت آموزش قرار گرفتند. دو ماه بعد از پایان دوره، در اسفندماه همان سال، مجدداً از گروه‌های فوق دعوت به عمل آمد و مورد آزمون مجدد قرار گرفتند.

ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش، پرسش‌نامه نگرش‌سنج محقق ساخته چهار سؤالی با مقیاس درجه‌بندی لیکرت است. برای تعیین قابلیت اعتماد نگرش‌سنج، روش همسانی درونی آلفای کرونباخ مورد

استفاده قرار گرفت و ضریب $0/87$ به دست آمد. همچنین ضریب قابلیت اعتماد هر مقوله با کل پرسش‌نامه به روش فوق تعیین شده است.

در پژوهش حاضر به دلیل اینکه هیچ‌گونه پرسش‌نامه‌ای در این زمینه یافت نشد، محقق در طراحی و تهیه عبارت‌های نگرش‌سنج از منابع فارسی و خارجی توصیه‌شده از سوی اساتید محترم روان‌سنجی بهره برده و با استفاده از نظرات اساتید محترم راهنما و مشاور اعتبار محتوای آن مورد تأیید قرار گرفت. در این پژوهش از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با یک گروه استفاده شده و متغیر وابسته، قبل و بعد از اجرای متغیر مستقل اندازه‌گیری شده، از آزمون پارامتریک t برای گروه‌های وابسته استفاده شده است. همچنین از آمار توصیفی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات افراد نمونه و داده‌های بدست آمده از پیش‌آزمون - پس‌آزمون استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

مشخصات افراد نمونه پژوهش به شرح زیر است:

بیش از هفتاد درصد مادران در گروه سنی ۲۸ الی ۴۰ سال قرار داشتند، نودوپنج درصد آنان خانه‌دار و سی‌ونه درصد تحصیلاتی در سطح ابتدایی داشتند. بیشتر شرکت‌کنندگان در دوره از نظر اقتصادی از طبقات متوسط و ضعیف جامعه بودند، همچنین میزان شرکت مادران به نسبت کل جمعیت دانش‌آموزی پایین بود.

در جدول شماره یک آزمون t برای بررسی تفاوت میانگین‌های سؤال‌های پژوهش گزارش شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در سؤال‌های ۱،۲،۳،۴،۵،۷ مقدار $\alpha > 0/05$ است، بنابراین با توجه به t جدول می‌توان گفت تفاوت معناداری بین آموزش و عدم آموزش مادران شرکت‌کننده در این کلاس‌ها در زمینه پذیرش خصوصیات و ویژگی‌های طبیعی نوجوانی، تربیت دینی نوجوان، تربیت جنسی نوجوانان، تربیت عاطفی و اجتماعی نوجوانان، مشکلات تحصیلی نوجوانان و آشنایی با خدمات مشاوره وجود ندارد.

جدول ۱- آزمون t برای بررسی تفاوت میانگین های سؤال های پژوهش در پیش آزمون - پس آزمون

سؤال	نام آزمون	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	تفاوت میانگین ها	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	پیش آزمون	۲۶/۸۸	۳/۷۷	۰/۳۰۷	۰/۰۴۹	۰/۱۱	۱۰۱	۰/۹۱۰
	پس آزمون	۲۶/۹۳	۳/۶۴					
۲	پیش آزمون	۱۹/۰۲	۲/۹۰	۰/۴۷۸	۰/۲۴۵	۰/۱۸۶۳	۱۰۱	۰/۳۹۰
	پس آزمون	۱۹/۳۷	۲/۷۰					
۳	پیش آزمون	۱۴/۷۷	۴/۱۴	۰/۳۳۹	۰/۸۵۲	۰/۱۸۷۹	۱۰۱	۰/۰۶۳
	پس آزمون	۱۵/۶۲	۳/۷۴					
۴	پیش آزمون	۳۷/۲۵	۴/۱۳	۰/۳۸۹	۰/۳۳۳	۰/۷۱۴	۱۰۱	۰/۴۷۷
	پس آزمون	۴۶/۹۲	۴/۳۸					
۵	پیش آزمون	۱۵/۱۳	۳/۱۲	۰/۴۱۳	۰/۵۷۸	۰/۱۸۹	۱۰۱	۰/۰۶۱
	پس آزمون	۱۵/۷۲	۲/۳۸					
۶	پیش آزمون	۲۰/۵۱	۲/۳۰	۰/۲۰۵	۰/۸۱۳	۰/۲۷۱	۱۰۱	۰/۰۰۸
	پس آزمون	۲۱/۳۳	۲/۳۹					
۷	پیش آزمون	۱۴/۷۸	۲/۳۶	۰/۳۵۲	۰/۱۱۷	۰/۳۸۱	۱۰۱	۰/۷۰۳
	پس آزمون	۱۴/۹۰	۲/۹۷					

اما در سؤال ۶ ($\alpha = 0.08$) یعنی $p < 0.05$ است، بنابراین با توجه به t جدول می توان گفت تفاوت معناداری بین آموزش و عدم آموزش مادران شرکت کننده در این کلاس ها در زمینه نحوه ارتباط خانه و مدرسه وجود دارد. به عبارت دیگر، بین نگرش مادران در زمینه نحوه ارتباط خانه و مدرسه پیش و پس از شرکت در کلاس های آموزش خانواده تغییر مثبتی ایجاد شده است.

جدول ۲ آزمون t برای بررسی تفاوت میانگین های هفت سؤال در پیش آزمون - پس آزمون

نام آزمون	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	تفاوت میانگین ها	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش آزمون	۱۵۸/۳۹	۱۱/۹۳	۰/۵۰۸	۰/۲۳۲	۰/۱۸۶۸	۱۰۱	۰/۰۶۵
پس آزمون	۱۶۰/۷۱	۱۳/۲۸					

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، میانگین و انحراف معیار هفت مقوله در پیش آزمون به ترتیب ۱۵۸/۳۹ و ۱۱/۹۳ و در پس آزمون به ترتیب ۱۶۰/۷۱ و ۱۳/۲۸ است. اگرچه میانگین در پس آزمون ۲/۴۷ افزایش یافته و سطح معناداری در این مقوله برابر ۰/۰۶۵ است، اما چون

$(\alpha = 0.05)$ یعنی از $P > 0.05$ است، با توجه به t جدول می‌توان گفت تفاوت معناداری بین آموزش و عدم آموزش مادران شرکت‌کننده در این کلاس‌ها در زمینه مقولات پرسش‌نامه وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون در مقوله ششم (نحوه ارتباط خانه و مدرسه) نشان‌دهنده ایجاد تغییر مثبت در نگرش مادران نسبت به روابط خانه و مدرسه بود، اما مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون در شش مقوله دیگر نشان داد که تفاوت معناداری بین آموزش و عدم آموزش مادران شرکت‌کننده در این کلاس‌ها وجود ندارد. در مجموع، پژوهش حاضر به این نتیجه رسید که برنامه آموزش خانواده که به شکل سنتی و با استفاده از شیوه سخنرانی، بدون توجه به معیارهای لازم برای برنامه‌ریزی آموزش بزرگسالان صورت می‌گیرد، نمی‌تواند به اهداف آموزشی خود که تأثیرگذاری بر روی نگرش و ایجاد آمادگی برای عمل در مادران است، دست یابد و به نظر می‌رسد که برنامه آموزش خانواده در برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزشیابی نیاز به بازنگری دارد.

نتیجه پژوهش این سؤال را مطرح می‌کند که چرا علیرغم آموزش‌های داده‌شده به مادران، تغییر نگرش عمده و چشمگیری در آنان ایجاد نشده است. در این قسمت به مواردی اشاره می‌کنیم که می‌تواند تبیین‌کننده این سؤال باشد:

۱- کوشش در نفوذ بر نگرش‌ها و تغییر آنها، بخشی از زندگی هر روزه است. فرایند جامعه‌پذیری که تعلیم و تربیت بخش عمده‌ای از آن است، دربرگیرنده فرایندی پیوسته از شکل و تغییر دادن نگرش است، اما انسان موجودی پیچیده است و از عوامل زیادی تأثیر می‌پذیرد و به شکل‌های گوناگون بر محیط خود تأثیر می‌گذارد. در اندازه‌گیری نگرش، سعی ما بر آن است تا چیزی پنهان را اندازه‌گیری کنیم. بنابراین نمی‌توانیم ادعا کنیم که ابزار مورد استفاده در این پژوهش کاملاً قابلیت اندازه‌گیری نگرش‌های مورد نظر طرح پژوهشی را داشته است.

۲- آدمی در طی زندگی خود با چیزهای گوناگون سروکار دارد و نسبت به این چیزها در او شناخت‌های معین و احساسات بخصوصی پدید می‌آید. به تدریج که نگرش‌های آدمی نسبت به چیزها افزوده می‌شود، احتیاج او به تفکر و اخذ تصمیم جدید کم می‌شود و رفتار او نسبت به این چیزها عادی، قالبی، مشخص و قابل پیش‌بینی می‌شود، بنابراین طرز تفکر سنتی مانع از آن است که والدین فکر کنند عدم مهارت آنان در تربیت فرزندان می‌تواند مهم‌ترین عامل ایجاد مشکلات فرزندان باشد و هنگامی که مشکلی جدی در ارتباط والد-کودک پیش می‌آید، والدین ابتدا به فکر می‌افتند که کودک خود را برای تربیت به جایی ببرند و یا اینکه اغلب والدین تغییرات موجود در جامعه را موجب مشکلات خانوادگی می‌دانند و کمتر به عدم مهارت خود در تربیت فرزند اعتقاد دارند.

۳- تغییر در نگرش، تغییر در بینش‌ها، طرز تلقی‌ها و قضاوت‌های مبتنی بر دانش و معرفت، و از تغییر در دانش مشکل‌تر است. اصولاً انسان‌ها، خصوصاً بزرگسالان در مقابل تغییر مقاومت

می‌کنند. یکی از علل این مقاومت نقشی است که ما بازی می‌کنیم و در نگرش ما تأثیر دارد. به عبارت دیگر، هر فرد یک پیشداوری درباره نقش خود دارد و بر اساس پیشداوری خود رفتار می‌کند. به این ترتیب افراد حتی پس از آموزش نیز با توجه به پیشداوری و نقش خود رفتار می‌کنند.

۴- احتمال می‌رود که اکثر مادران شرکت‌کننده در کلاس‌های آموزش خانواده، مادرانی بوده‌اند که با فرزندان خود در زمینه مسائل آموزشی و تربیتی مشکل جدی نداشته‌اند و از مخاطبان برنامه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی در مسائل مربوط به خانواده بوده‌اند و به صرف علاقه به افزایش معلومات خود در کلاس‌ها شرکت کرده‌اند. اما مادرانی که نیاز جدی به این نوع آموزش‌ها داشته‌اند، در برنامه حضور نیافته‌اند. به عبارت دیگر، مادرانی که نگرش‌های مثبت و مفیدی در زمینه پرورش فرزندان داشته‌اند، از آموزش‌ها بهره برده‌اند و مادرانی که نیازمند تغییر نگرش بوده‌اند، از آموزش‌ها بی‌بهره بوده‌اند. گفتنی است که مدیران مدارس مجری طرح نیز اذعان داشتند که مادران و خانواده‌های نیازمند به آموزش برای تربیت فرزند، معمولاً در این برنامه حضور نمی‌یابند.

۵- از دیگر علل عدم موفقیت برنامه آموزش خانواده می‌توان موارد زیر را نام برد:

عدم توانایی و تسلط کافی مدرسان در ارائه مطالب، نامناسب بودن شیوه‌های تدریس و عدم توجه به اصول یادگیری و آموزش در بزرگسالان، تکراری بودن مباحث، کم اهمیت بودن آموزش‌ها، نامناسب بودن محتوای برنامه، کم و نامناسب بودن زمان برنامه برای ارائه محتوا و عدم شرکت مادران به طور مستمر در کلاس‌ها.

علیرغم عدم موفقیت این برنامه در شهرستان بهبهان نمی‌توان منکر تأثیر آموزش در حوزه تعلیم و تربیت شد. پژوهشگران قبلی نیز تأثیر آموزش‌ها را در حیطه دانش مثبت ارزیابی کرده‌اند، اما از آن جهت که بزرگسالان دارای نگرش سازمان‌یافته هستند و در مقابل تغییر مقاومت می‌کنند و همچنین تغییر در حیطه عاطفی نیازمند تلاش بیشتر و زمان طولانی‌تر و استفاده از شیوه‌های موثرتر است، ضرورت دارد برای تأثیرگذاری آموزش‌ها به اصول اساسی یادگیری و عوامل مؤثر در آموزش بزرگسالان و بالأخص در آموزش مادران توجه نمود.

محدودیت‌های پژوهش

- عدم استقبال والدین از شرکت در این کلاس‌ها باعث ایجاد محدودیت در انتخاب نمونه به دلیل تعداد کم شرکت‌کنندگان شد.
- منابع خارجی در زمینه موضوع پژوهش با کمبود مواجه بود.
- دامنه پژوهش محدود به شهر بهبهان بوده و تعمیم نتایج به سایر مناطق امکان‌پذیر نیست.

پیشنهادها

متأسفانه نواقص و مشکلات زیادی در طراحی و اجرای برنامه آموزش خانواده وجود دارد. مثلاً تعداد زیادی از مدیران، که خود می‌باید مجریان برنامه آموزش خانواده باشند، ارزشی برای کلاس‌های آموزش

خانواده قائل نیستند و آن را یک کار جنبی و اضافی می‌دانند؛ برنامه آموزش خانواده در سطح وسیع گسترش نیافته و جایگاه واقعی خود را به دست نیاورده است؛ برنامه‌های آموزش خانواده مورد ارزشیابی قرار نمی‌گیرند؛ اگر از والدین صرفاً برای کارهای تحقیقی نظرخواهی می‌شود به موازات آن از دانش‌آموزان نظرخواهی نمی‌شود و ...

یافته‌های این پژوهش مبنی بر عدم تحقق اهداف آموزش خانواده می‌تواند هشدار به مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش و سازمان انجمن اولیا باشد تا در طراحی، اجرا و ارزشیابی این برنامه تجدید نظر کرده و اصلاحات لازم را به عمل آورند. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

۱- از آن جهت که تغییر نگرش به سرعت امکان‌پذیر نیست، ارزشیابی از کلاس‌های آموزش خانواده به صورت تحقیقات طولی صورت پذیرد.

۲- پژوهشی درباره بررسی راهکارهای اساسی در زمینه استفاده بهتر والدین از آموزش خانواده و گسترش آن به عنوان یک فرهنگ عمومی صورت گیرد.

۳- کتاب‌های طرح جامع آموزش خانواد که به عنوان الگو مورد استفاده مدرسان قرار می‌گیرند، مورد بررسی محتوایی قرار گیرند.

۴- شیوه‌های مختلف فرزندپروری مورد آموزش و ارزشیابی قرار گیرد.

۵- برای اثربخشی آموزش‌ها ضروری است مدیران و مدرسان با روش‌های تدریس بزرگسالان آشنا شوند.

منابع الف) فارسی

برزویی، علیداد (۱۳۷۳). بررسی میزان تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده بر روی اولیایی که از این کلاس‌ها استفاده کرده‌اند در استان لرستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

به پژوه، احمد (۱۳۸۲). انتظارات کودکان از مادران و پدران چیست؟ تهران: انتشارات پرنیان.

به پژوه، احمد (۱۳۸۰). اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان. تهران: نشر رویش، چاپ پنجم.

بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۶۱). رساله نوبین امام خمینی؟ (چاپ اول، جلد سوم)، تهران: مؤسسه انجام کتاب.

بیدگل، آفاق و خان‌محمدی، فاطمه (۱۳۷۳). بررسی تأثیر برنامه‌های آموزش والدین بر آگاهی‌های تربیتی آنها در شهر تهران. تهران: سفارش معاونت پژوهشی انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

جاجرمی، مسعود (۱۳۷۲). بررسی دیدگاه‌های والدین، مشاوران و مدیران مدارس در مورد برنامه آموزش خانواده و ارائه دیدگاه‌های اصلاحی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

حسن‌یگلو، بهروز (۱۳۷۴). بررسی میزان موفقیت و تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده در افزایش آگاهی‌های شرکت‌کنندگان. تهران: تحقیقات آموزش و پرورش تهران.

حکمت‌منش، غلامعباس (۱۳۸۰). بررسی نقش کلاس‌های آموزش خانواده بر رفتار والدین با فرزندان خود و عملکرد تحصیلی آنان در مقطع متوسطه پسرانه دزفول ۸۰ - ۱۳۷۹. دانشگاه آزاد اراک.

دستورالعمل جامع آموزش خانواده (۱۳۷۷). مصوب شورای عالی انجمن اولیا و مربیان، تهران: سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان؛ مدیریت آموزش، تحقیقات و تألیفات؛ گروه آموزش.

رسولزاده طباطبایی، سید کاظم (۱۳۷۹). ارزیابی کمی و کیفی کلاس‌های آموزش خانواده از دیدگاه والدین، مدیران، مدرسین و تأثیرات این کلاس‌ها در تغییر نگرش والدین. تهران: پژوهشکده خانواده.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: نشر سروش، چاپ سوم.
سجادی، مجتبی (۱۳۸۰). بررسی تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده در تغییر نگرش والدین شرکت‌کننده در کلاس‌ها نسبت به فرزندان‌شان در مقطع ابتدایی شهرستان اراک و تعدادی از کارخانجات و شرکت‌ها. اراک: انجمن اولیا و مربیان استان مرکزی.

سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه چاپ دهم.

شکری، افسون (۱۳۷۵). تأثیر آموزش اولیا بر تغییر نگرش والدین نسبت به فرزندان. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

شهبازی، شراره و عمرانی، نوشین (۱۳۷۲). کتاب‌شناسی توضیحی خانواده (چاپ اول). شهرداری تهران، معاونت امور اجتماعی.

شیخ‌زاده، مصطفی (۱۳۷۵). بررسی تأثیر آموزش‌های خانواده و مدرسه بر پیشرفت‌های تحصیلی دانش‌آموزان استان لرستان. خرم‌آباد: پژوهش انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

طهماسبی، فرهاد و عبدلهی، اسد (۱۳۷۵). بررسی تأثیر آموزش‌های خانواده و مدرسه بر پیشرفت‌های تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ارومیه. ارومیه: پژوهش انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

عاشرزاده، زهرا (۱۳۷۶). بررسی نقش آموزش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در شهرستان خوی. خوی: پژوهش انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مؤسسه انجام کتاب.

قشنگ، نیره (۱۳۸۲). تأثیر آموزش مادران بر کاهش تنیدگی رابطه مادر - کودک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.

کریمی، عبدالرسول (۱۳۷۶). بررسی تأثیر کلاس‌های ۳۶ ساعته آموزش خانواده با پیشرفت تحصیلی در شهرستان تویسرکان. تویسرکان: پژوهش انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

کریمی، یوسف (۱۳۸۳). نگرش و تغییر نگرش. تهران: مؤسسه نشر ویرایش، چاپ دوم.
کلانتری، مهرداد (۱۳۷۲). شناخت و درمان مشکلات رفتاری کودکان. اصفهان: انتشارات کنکاش چاپ اول.

کیامنش، علیرضا (۱۳۸۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های علوم رفتاری، سالنامه پژوهش و ارزشیابی در علوم اجتماعی و رفتاری. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
گوردون، توماس (۱۹۱۸). پرورش کارآیی والدین. ترجمه انور بغدادی (۱۳۵۶). تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب چاپ اول.

(ب) لاتین

Mann, Mary; Pearl. Peggy; Behle, Pamela (2004). **Effects of Parent Education on Knowledge and Attitudes**. Internet: <http://web 22. epnet. com/citation. asp?>
Mueller, Marsha R. **The Evaluation of Minnesota Early Childhood Family Education Program**. Internet: <http://web 23. epnet. com/citation. asp?American Journal of Evaluation; w; winter 98, vol. 19 Issue 1, p80, 7p, 1 chart, 1 bw.>